

بررسی تطبیقی ساختارهای اساسی متأثر از آرمان‌های انقلاب در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر؛ از ادعای واقعیت (با مطالعه قوانین اساسی ایران و مصر مصوب ۲۰۱۴ میلادی)

محمد مظهری^۱

فرزاد جنگجوی (نویسنده مسئول)^۲

مرتضی قاسم‌آبادی^۳

چکیده

فرضیه: مطالعه قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر (۲۰۱۴ میلادی)، حاکی از آن است که ساختارهای اساسی این دو کشور بسیار مهم و استراتژیک خاورمیانه مشابه هم می‌باشند. سوال: اما سوالی که مطرح می‌شود این است که در ساختارهای اساسی قوانین اساسی ایران و مصر چه تشابهات و تفاوت‌هایی وجود دارند و علت آن کدام است؟ روش: پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای، و با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر، کتاب‌ها و مقالات مربوط به حقوق اساسی و حقوق اساسی تطبیقی انجام شده است. نتیجه: در قانون اساسی هر دو کشور مبنای مشروعیت نظام خود را بر اساس اسلام و اتکاء بر آرای مردم (حاکمیت مردم) استوار نموده‌اند. افزون بر این وجود تشابهاتی در رژیم سیاسی-حقوقی دو کشور مانند نظام جمهوری، یکپارچگی کشور و بسیط بودن به لحاظ تقسیمات کشوری، داشتن قوه مجریه نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی، مبنای دموکراتیک در ساختار نظام و حاکمیت روح اسلام بر قانونگذاری و مسائلی از این دست، جلب توجه می‌نماید. مواردی این چنین موجب شده، این همانی‌های بسیاری در جایگاه قدرت و محدوددهی اختیارات نهادهای سیاسی دو کشور ایجاد شود که از نحوه انتصاب و انتخاب، شرح وظایف و مسئولیتهای آنها قابل استنباط است. به نظر می‌رسد، علت اصلی این شباهتها در ساختارهای اساسی کشور مصر و ایران، می‌تواند ریشه در شرایط، اوضاع و احوال مشابه دو کشور در زمان تدوین قوانین اساسی آنها داشته باشد. از این رو می‌توان گفت، قانون اساسی مصر به طور غیر مستقیم از قانون اساسی ایران الگو پذیرفته است. این بدان معنا است که، قانون اساسی ایران، مطابق میل و آرمان مدونانش، توفیق نسبی از جهت الگودهی به کشورهای منطقه خود داشته باشد.

واژگان کلیدی: ساختارهای اساسی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عربی مصر، اسلامی، نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی.

۱. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی تبریز، ایران. m.mazhari@tabrizu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، ایران. farzadjangjooi@yahoo.com
ORCID:0000-0000-0000-0000

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران. mortezaghasemabadi@yahoo.com

مقدمه

شبهات‌ها و تأثیر و تأثر متقابل دو کشور اسلامی ایران و مصر که یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری و از کشورهای مهم خاورمیانه محسوب میشوند، ما را بر آن داشت که به تحلیل تطبیقی ساختارهای حکومتی^۱ و کلیات قوانین اساسی این دو کشور بپردازیم و از این طریق، شبهات و تمایزات موجود در فضای حاکم سیاسی - حقوقی دو کشور را بهتر نمودار سازیم؛ چرا که قوانین اساسی محور اصلی نظام سیاسی و حقوقی (مدنی) کشور و انتظام بخش همه شئون حکومت و تعیین‌کننده روابط اصلی قوای عالی عمومی جوامع هستند (مدنی، ۱۳۸۶: ۲۳؛ Fellman, 3, 140-14 PP. 2008). به عبارت دیگر، قوانین اساسی به منزله شناسنامه‌ی کشورهایند که شکل دهنده‌ی نظام حکومتی آنها بوده (Odoki: 1991, P.3) و می‌توانند ما را در شناخت هر چه دقیق‌تر نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع، یاری رسانند (بارنت، ۱۳۸۲: ۱۴). از این رو، مقایسه‌ی تطبیقی قانون اساسی دو کشور ایران و مصر، به نوعی می‌تواند، نشانگر وضعیت سیاسی - حقوقی و فکری حاکم بر دو جامعه باشد و سیاستمداران داخلی و تصمیم‌گیران عرصه‌ی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را برای تحلیل هر چه صحیح‌تر وقایع و در نتیجه، انتخاب راهکارهای تعاملی مناسب‌تر، در جهت دستیابی به اهداف مشترک دو کشور اسلامی راهنمایی نماید. از سوی دیگر، سیاستمداران نظام جمهوری اسلامی ایران مدعیانند، قانون اساسی ایران، به عنوان یک قانون اساسی اسلامی، در جهت الگودهی در سایر ملل اسلامی، نفوذ زیادی داشته و خواهد داشت این امر با نگاهی به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و وقایع زمان پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی کشور مشهود به نظر میرسد (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱). در نوشتار حاضر، با تحلیل تطبیقی ساختارهای اساسی^۲ کشور ایران و مصر، به بررسی میزان توفیق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در دستیابی به این آرمان پرداخته میشود.

نکته دیگر در مورد مقایسه بین این دو کشور، آن است چون مصر در برهه‌ای از زمان، یکی از مستعمرات فرانسه بوده، پس از استقلال، به تاسی از آن کشور، قانون اساسی خود را

1. Constitutional Structures

۲. منظور از ساختارهای اساسی، مبانی مشروعیت نظامها، مدل یا ساختار کشورها از نظر سیاسی و حقوقی، نوع نظام و یا رژیم سیاسی، قوای حکومتی و چگونگی توزیع قدرت فی ما بین آنها می‌باشد.

تنظیم نمود، این در حالی است که در مجلس مؤسسان قانون اساسی ایران نیز تعداد زیادی از فارغ التحصیلان کشور فرانسه حضور داشتند که با نگاهی به پیشینه سایر قوانین مانند قانون مدنی، تجارت و غیره، که آنها هم متأثر از قوانین فرانسه بودند و البته با نگاهی ویژه که خاص دوران انقلاب سال ۵۷ بود، قانون اساسی را تدوین نمودند. پر بیراه نیست اگر بگوئیم قانون اساسی مصر بی شباهت به قانون اساسی ایران است، چرا که خواستگاه علمی و آموزشی اکثر نویسندگان آن به کشور واحدی به نام فرانسه منتهی می شود.

با توجه به شمای فوق به تحلیل ساختار کلی و روح حاکم بر قوانین اساسی دو کشور پرداخته و با نگاهی به شرایط مشابه زمان تدوین قوانین اساسی، مبانی مشروعیت، مدل یا ساخت کشورها و در نهایت نوع رژیم سیاسی حاکم، از منظر قوانین اساسی دو کشور مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در این باره سوال اساسی تحقیق این است که وجوه تشابهات و تفاوت های قانون اساسی ایران و مصر کدامند؟ ریشه تشابهات و تفاوت های احتمالی چیست؟ برای پاسخ به سوالات فوق که تاکنون در تحقیق مستقلی بدان پرداخته نشده است، با روش تطبیقی - تحلیلی ابتدا، ساختار کلی دو کشور و روح حاکم بر قوانین اساسی مورد بررسی قرار می گیرند (۱)، سپس به واکاوی مدل یا ساخت کشورها پرداخته خواهد شد (۲). نوع نظام یا رژیم سیاسی حاکم در دو ایران و مصر با مصداق های از قانون اساسی در بند سوم مشخص می شود (۳). در بند چهار مقایسه تطبیقی قوای کشور مورد تحلیل قرار می گیرند (۴) و در نهایت مهمترین نتایج بحث، همراه با پیشنهادهای ارائه خواهد شد.

۱- تحلیل ساختار کلی دو کشور و روح حاکم بر قوانین اساسی

۱-۱- شرایط و اوضاع و احوال زمان تدوین قوانین اساسی

قانون اساسی ایران، با وجود آنکه مردم این کشور قرنها دوران استبداد را پشت سر گذاشته اند، به خاطر برخوردار بودن از فرهنگ تفکر، تعاون، جهاد و مبارزه، امر به معروف و نهی از منکر و بیزاری از استکبار، استعمار، تمایل به فضیلت آزادی و آزادیخواهی حاصل از اعتقادات اسلامی آنان، در فضای یک انقلاب مردمی و اسلامی با رهبری واحد و شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به رشته تحریر درآمد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۶). از مقدمه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران، نوع

نگرش تدوین کنندگان قانون اساسی جدید ایران را می‌توان به روشنی استنباط نمود که وحدت مردم ایران حول محور واحدی به نام امام خمینی (ره) مولد حقیقی وحدت و یکپارچگی ملت ایران و مایه‌ی دمیدن روح اسلام در کالبد جامعه در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی ایران بود.

قانون اساسی جدید مصر نیز متعاقب یک انقلاب مردمی در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ و تحولات سیاسی پس از آن و کش و قوس‌های فراوانی که پس از تعلیق قانون اساسی رخ داد، در نهایت در سال ۲۰۱۴ توسط مجلس مؤسسان قانون اساسی به رشته تحریر درآمد و در یک همه‌پرسی عمومی، به تصویب رسید. نگرش حاکم بر ساختار این متن آزادی خواهانه حاکی از همبستگی عمیق مردمان آن سامان برای محور ریشه‌های استبداد گذشته در این کشور است. در مقدمه قانون اساسی جدید مصر مقرر شده است: «مصر، کشور جاودان مصریان و حامی پیام صلح و دوستی برای تمامی ملل جهان است... انقلاب ۲۵ ژانویه-۳۰ ژوئیه، از میان انقلاب‌های بزرگ تاریخ بشری، انقلابی منحصر به فرد است چرا که با مشارکت انبوه ده‌ها میلیون‌ی افراد ملت و با نقش آشکار جوانان روشنفکر برای آینده مشرق زمین همراه بود... افزون بر آن، به خاطر مسالمت آمیز بودن و خواست تحقق آزادی و عدالت اجتماعی به طور همزمان، انقلابی منحصر به فرد است... معتقدیم که دموکراسی راه آینده و شیوه زندگی است، معتقد به کثرت‌گرایی سیاسی، تناوب مسالمت آمیز قدرت هستیم و بر حق ملت برای ساخت آینده تاکید می‌کنیم چرا که ملت به تنهایی منشا قواست، آزادی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی حق همه شهروندان، همه ما و نسل‌های بعد از ما است».

۱-۲- مبانی مشروعیت نظام‌ها^۱

اوضاع و احوال بسیار مشابه دو کشور در زمان تدوین قانون اساسی، موجب شده روح حاکم بر آنها تقریباً مشابه باشد. بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر پایه‌ی ایمان به وحدانیت خدا، نقش وحی در بیان قوانین، وجود معاد، عدل خدا، امامت و رهبری، کرامت انسانی و آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خدا می‌باشد.^۲ از طرف دیگر مشروعیت نظام

1. Principles of Systems legitimacy

۲. اصل دوم قانون اساسی ایران

جمهوری اسلامی ایران متکی بر مشارکت همه جانبه مردم در امور عمومی از طریق انتخابات و همه پرسی است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۱؛ اختر شهر، ۱۳۸۷: ۱۶۸ و ۱۶۹).

خلاصه اینکه مبنای مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران دو محور مکتب یعنی برتری و اولویت قطعی مبانی اسلام و اتکای به آرای عمومی است که مورد نخست ناظر به محتوای حکومت و مورد دوم ناظر به شکل حکومت می باشد به بیان دیگر، منظور از آن، اقامه‌ی نظام اسلامی به واسطه اراده‌ی عموم و خواست جمعی مردم است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۸۹).

در مقدمه قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر به صراحت مشروعیت نظام سیاسی معرفی شده و آن را برآمده از مردم معرفی می نماید: «قانون اساسی را به رشته تحریر درمی آوریم تا یک دولت دموکراتیک جدید را ایجاد نموده که نوع حکومت آن مردمی است... معتقدیم که دموکراسی راه، آینده و شیوه زندگی است... و بر حق ملت برای ساخت آینده تاکید می کنیم چرا که ملت به تنهایی منشاقواست، آزادی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی حق همه شهروندان، همه ما و نسل های بعد از ما است...» از طرف دیگر تنها منبع قانونگذاری در مصدرین اسلام است (کعبی، ۱۳۹۱: ۷۰)، تا جایی که در ماده ۲ تاکید شده: «اسلام دین و آیین حاکم بر کشور و عربی زبان رسمی و اصول و مبادی شریعت اسلامی منبع اصلی قانونگذاری در آن است.» بنابراین، مبنای مشروعیت در نظام حکومتی مصر مشروعیت مردمی در پناه حاکمیت قانون برای تضمین آزادهای فردی و مشروعیت قدرت و احترام به فرد به عنوان پایه و اساس بنای کشور از یک طرف (آقای طوق، ۱۳۹۱: ۵) و از طرف دیگر، با معرفی اسلام به عنوان تنها منبع قانونگذاری و پذیرش اصل حاکمیت قانون برای تضمین حقوق و آزادی های شهروندان در کشور، از این رو، با مردم سالاری تلفیق یافته است. در این خصوص ماده ۴ قانون اساسی اذعان داشته: «حق حاکمیت تنها از آن مردم است که ادامه داشته و مورد حمایت است و منشأ قوا می باشد، موجب حفظ وحدت ملی است که بر اساس اصول برابری، عدالت و ایجاد فرصت های برابر میان همه شهروندان جامعه بنا نهاده شده است و این امر بر اساس آنچه در قانون اساسی ذکر آن رفته به شمار می آید.» از طرف دیگر بر حق حاکمیت مردم و اصول و مبانی دموکراتیک بنا نهاده شده به طوری که ماده ۵ قانون اساسی، آن را این گونه بیان نموده: «نظام سیاسی مصر بر اساس کثرت گرایی سیاسی و حزبی و انتقال مسالمت آمیز قدرت و تفکیک بین قوا و حفظ موازنه قدرت

بین آنها و وابستگی متقابل مسئولیت و قدرت و حقوق و آزادی‌های بشری، آن گونه که در قانون اساسی ذکر آن رفته است، خواهد بود...»

۲. مدل یا ساخت کشورها

کشورها را از دو بعد متفاوت می‌توان تقسیم‌بندی نمود: بعد سیاسی و بعد حقوقی.

۲-۱. سیاسی

در بعد سیاسی، بیشتر به فلسفه‌ای که دولت یا حاکمیت به خاطر آن ایجاد شده و درصدد تحقق یا کمک به تحقق آن است، توجه می‌شود، از این رو در این تقسیم‌بندی، دولت‌ها به گونه‌های مختلفی چون دولت لیبرال، سوسیالیست، کمون، نظامی، اسلامی و غیره تقسیم‌بندی می‌شوند (قاضی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

مطابق اصل یکم قانون اساسی، حکومت ایران یک حکومت دینی است که مبتنی بر مبنای اعتقادی، مذهبی، احکام و دستورات اسلامی بوده و مردم پس از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی برای تحقق اهداف اسلامی یعنی استقرار حاکمیت الله و تحکیم ما انزل الله و رسول اولوالامر، بازسازی حقوقی - سیاسی شده است (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۳۸ و ۱۳۷).

بر این اساس، قانون اساسی در اصل دوم صراحتاً تأکید نموده، هدف نهایی حکومت از این حیث، کشوری اسلامی بوده که در پی تحقق اهداف اسلامی است، از این رو، بر پایه‌ی اعتقادات دیرینه‌ی مردم، به رهبری امام خمینی (ره) بازسازی حقوقی - سیاسی شده است. (صلاحی، ۶۸: ۱۳۹۱).

تدوین‌کنندگان قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر با استفاده از تجربیات درس آموز حاصل از رژیم استبدادی گذشته، افکار دموکراتیک و آزادی‌خواهانه خود را در قالب ساختار قانون اساسی وارد نمودند، تا جایی که در مواد متعدد بر حق حاکمیت مردم و حمایت از حقوق بنیادین بشر و مسئولیت دولت برای تضمین آنها تأکید شده و تحقق این مهم برای همه شهروندان هدف غایی آن به شمار می‌رود: «جامعه بر پایه همبستگی اجتماعی استوار است. دولت مسئول تحقق عدالت اجتماعی و متعهد به فراهم ساختن زمینه ایجاد همبستگی اجتماعی در مواردی است که زندگی شرافتمندانه همه شهروندان جامعه را براساس آنچه در قانون ذکر آن رفته، تضمین

نماید.» (ماده ۸) از طرف دیگر، قانون اساسی ۲۰۱۴، به صراحت این کشور را دولتی مستقل و دموکراتیک با حاکمیتی یکپارچه، معرفی نموده که بر اساس حاکمیت قانون و شهروندی بنا شده است (ماده ۱) با توجه به مطالب یاد شده و مطابق قانون اساسی مصر، هدف حکومت در این کشور تحقق حاکمیت مردم و احترام به حقوق شهروندی به عنوان منشا قوا، آزادی و مساوات، کرامت بشری و عدالت اجتماعی و حضور پایدار در میان امت عربی-اسلامی در ساخت تمدن بشری است.

۲-۲. حقوقی

تقسیم‌بندی دولت‌ها از دیدگاه حقوقی بسیار متفاوت است، در این روش، کشورها از نظر ساختار درونی و طرز قرار گرفتن قدرت در مراکز سیاسی داخل کشور تقسیم‌بندی می‌شوند. از این حیث، کشورها به دو گونه‌ی سرزمینی سازماندهی می‌شوند: دولت تک ساخت و دولت مرکب، از این حیث ایران و مصر هر یک متعلق به یک گونه‌ی مشابه هستند:

در کشور ایران قدرت سیاسی در یک مرکز با شخصیت حقوقی واحد قرار دارد و تمامی وظایف و حقوق دولت را اعمال می‌نماید. تمام جمعیت فقط از همان قدرت واحد تبعیت می‌کنند. بافت قدرت یکپارچه بوده و قابل تفکیک به سطوح مختلف نیست و قانون اساسی، در سراسر قلمرو کشور ایران حاکم است. از این رو، ایران کشوری تک ساخت یا بسیط می‌باشد (صلاحی، ۱۳۹۱: ۷۱).

هرچند قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر به نوع اداره و تقسیمات کشوری آن اشاره صریحی ندارد، اما با توجه به مفاد مواد قانون اساسی می‌توان گفت این کشور بسیط و با مرکزیت سیاسی واحد بوده و واحدهای اداری محلی دارای شخصیت حقوقی مستقل را، در درون خود جا داده است. در این خصوص ماده ۱ قانون اساسی مقرر داشته: «جمهوری عربی مصر دولتی مستقل و دارای حاکمیتی مستقل و یکپارچه است که هیچ‌گونه تقسیم و تجزیه را نمی‌پذیرد و ...». بخش سوم باب پنجم قوای عمومی قانون اساسی نیز به مسئله واحدهای تقسیمات کشوری و عدم تمرکز پرداخته: «کشور به واحدهای اداری محلی تقسیم می‌شود و از شخصیت حقوقی برخوردارند. این واحدها شامل استان‌ها، شهرها و روستاها است؛ ایجاد واحدهای اداری دیگری که دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتی که منفعت عمومی این امر را اقتضا کند، مجاز است. به

هنگام تشکیل یا انحلال واحدهای اداری محلی یا اصلاح حدود اختیارات آن، شرایط اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته می شود، همه موارد مذکور، مطابق قانون تعیین خواهد شد» (ماده ۱۷۶). همانطور که در قانون اساسی مصر آمده است؛ در این کشور همانند ایران، واحدهای حکومتی هم چون استان و شهرستان از حاکمیت برخوردار نیستند و تنها به عنوان واسطه میان شهروندان و حکومت مرکزی عمل می کنند. به بیان بهتر در حکومت های تک ساخت قدرت سیاسی معمولاً از یک نقطه قانونی به نام پایتخت اعمال می شود و کشور بیش از یک هسته سیاسی قوی در اختیار ندارد.

۳. نوع نظام یا رژیم سیاسی حاکم

غالباً به تعیین نوع حکومت در قوانین اساسی اشاره می شود. قوانین اساسی ایران و مصر نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند و هر دو در همان اصول اولیه خود، به معرفی کلی نوع حکومت پرداخته اند. قانون اساسی مصر در ماده ۱ بیان داشته: «جمهوری عربی مصر دولتی مستقل و دارای حاکمیتی مستقل و یکپارچه است که هیچ گونه تقسیم و تجزیه را نمی پذیرد و دارای نظام جمهوری دموکراتیک بوده که بر اساس حاکمیت قانون و شهروندی بنا نهاده شده است. ملت مصر بخشی از امت عربی و اسلامی است که نسبت به تکامل و وحدت آن تلاش می کند، منسوب به قاره آفریقا بوده و به وسعت آسپایی خود ارجح می نهد و در ساخت تمدن بشری مشارکت دارد.»

اصل ۱ قانون اساسی ایران نیز نوع نظام ایران را جمهوری اسلامی معرفی کرده که در اصل ۲ و اصول بعدی به معرفی آن پرداخته است. در این خصوص اصل اول مقرر داشته: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ...»

در ادامه برای روشن تر شدن ساختارهای موجود و امکان مقایسه ی صحیح تر به معرفی اجمالی انواع ذکر شده می پردازیم:

۳-۱. نظام جمهوری

جمهوری شیوه حکومتی است که بر پایه مردم سالاری (دموکراسی) یا غیر دموکراسی، مردم آن، حق حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودشان را به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق زمامدارانی

که با رضایت و رأی مستقیم یا غیر مستقیم آنان به گونه‌ای که توارث در آن دخالتی نداشته باشد تعیین و آنان نیز اقتدارات معین قانونی خود را در یک مدت محدود و تحت نظارت آنان اعمال می‌نمایند. جمهوریت دو نظام یکی از مهم‌ترین وجوه اشتراک ساختار کلان سیاسی در دو کشور است و در مقابل رژیم سلطنتی قرار دارد. هرگاه حکومت کشوری از نظر شکلی سلطنتی باشد، در رأس حکومت یک نفر قرار می‌گیرد که به هیچ‌وجه مسئول اعمال خود نمی‌باشد (مدنی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳)، اما ریاست دولت در نظام جمهوری در دست یک نفر و گاهی چند نفر است که برای مدت معینی انتخاب شده و مسئول اعمال خود هستند (قاسم زاده، ۱۳۳۴: ۱۴۴-۱۲۰). از این حیث در هر دو کشور ریاست دولت در اختیار اشخاصی است که مادام‌العمر حکومت نمی‌کنند و برای مدت معینی از سوی مردم به طور مستقیم انتخاب می‌شوند و نسبت به اعمال خود نیز پاسخگو هستند (اصل ۱۲۲ قانون اساسی ایران و مواد ۱۳۰ و ۱۳۹ قانون اساسی مصر)

۲-۳. نظام دموکراتیک

دموکراتیک بودن نظام حاکی از شیوهی اعمال حاکمیت می‌باشد در واقع، نظامی است که حاکمیت در آن از طریق مردم اعمال می‌شود و غالباً معادل فارسی «مردم سالاری» است. این نوع رژیم در مقابل رژیم دیکتاتوری قرار دارد و ناظر به ابزار اداری حکومت است (قاسم زاده، ۱۳۳۴: ۱۱۴). از این جهت نیز رژیم سیاسی مصر و ایران شبیه یکدیگرند؛ اما در قانون اساسی ایران به ذکر جمهوریت نظام اکتفا شده و نیازی به اعلام دموکراسی بودن آن احساس نشده است. البته شاید بتوان دلیل این امر را انتخاب اسلام به جای دموکراسی، به عنوان شیوهی اداری حکومت در قانون اساسی ایران دانست که به عقیده‌ی برخی از اندیشمندان مفهوم دموکراسی را نیز در بردارد (منتظری، ۱۳۸۵: ۹۸).

نکته دیگر اینکه، دموکراسی بر مبنای میزان دخالت مردم در امور حکومت؛ به دموکراسی مستقیم و دموکراسی غیر مستقیم تقسیم می‌شود. در دموکراسی مستقیم مردم بدون هیچ‌گونه واسطه‌ی قدرت حاکمیت را در دست دارند، یعنی با داشتن شرایط پیشینی شده در قانون، در مجامع عمومی گرد هم آمده و قانون وضع کرده، وزراء و سایر مامورین موثر مملکتی را انتخاب می‌کنند و در همین اجتماعات، امر نظارت بر اعمال حکومت را انجام می‌دهند. در دموکراسی غیر مستقیم هم، قدرت عالی به تمام ملت تعلق داشته، اما نمایندگان ملت در شکل پارلمان

اعمال حاکمیت می‌نمایند (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۱۰) آشکار است که دموکراسی مستقیم، به دلیل جمعیت زیاد و وسعت خاک گسترده کشور ایران و مصر امکان پذیر نیست، به همین خاطر، دموکراسی غیر مستقیم در جریان است. اما باید ذکر نمود که دموکراسی غیر مستقیمی که در مصر و ایران شکل گرفته، از نوع غربی (لیبرال) می‌باشد، نه مارکسیستی. در این مدل، قدرت سیاسی بر پایه‌ی اصل حاکمیت ملی قرار دارد، حکومت‌ها از طریق انتخابات عمومی و نسبتاً آزاد تعیین می‌شوند. در این کشورها، ساختار سیاسی بر پایه اصل تفکیک قواست و قوای حکومتی از یکدیگر جدایند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۹). به بیان دیگر در این گونه رژیم‌ها به جای این که مردم به صورت مستقیم، حاکمیت را اعمال کنند، از طریق نمایندگان خود به اعمال آن می‌پردازند. اندیشه "نمایندگی" و دموکراسی غیر مستقیم (با واسطه) با جوامع بزرگ و پر جمعیت مثل ایران و مصر امروزی سازگاری بیشتری دارد.

۳-۳. نظامی بسیط و یکپارچه

بسیط و یکپارچه بودن کشور مصر و ایران که ناظر بر نوع دولت-کشور میباشد از جمله تشابهات ساختاری دو کشور است که قبلاً پیرامون آن بحث شد.

۳-۴. نظام اسلامی

نظام اسلامی نوعی از نظام دینی در جوامع مسلمان که حزب یا اشخاص حاکم معتقد به برتری اسلام، سعی در پیاده سازی قوانین بر پایه احکام و معارف اسلامی دارند. به عبارت دیگر، مقصود از نظام دینی، نظامی است که تمامی ارکان آن بر اساس دین شکل گرفته است. حاکمان اسلامی معتقدند اسلام برنامه کاملی است که از جانب خدا راه چگونه زندگی کردن را آموخته است. حکومت نیز جزئی از زندگی ماست پس برای حکومت نیز باید از راهنمایی خدا استفاده کرد. یکی از مهمترین ابعاد جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی اسلامیت بوده که حتی در عنوان کشور هم قید شده است. واژه اسلامی که بیانگر محتوای حکومت می‌باشد، بدین معناست که حکومت جمهوری اسلامی با اصول و موازین اسلام اداره می‌شود و منطبق با احکام و دستورات دین مبین اسلام است (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). در این نظام، قوانین اسلامی محتوای حکومت را تشکیل داده و محتوای قوانین و مقررات لزوماً باید با اسلام مطابقت داشته باشند اما شکل یا ساختار حکومت

را مردم انتخاب می نمایند. از جمله مطالب دیگری که در خصوص اسلامیت نظام قابل بیان است، میزان دخالت دین در قانونگذاری و اداره جامعه است. (صلاحی، ۱۳۹۱: ۷۴)

قانون اساسی مصر از یک طرف اسلام را به عنوان دین حاکم بر کشور و منبع اصلی قانونگذاری معرفی نموده (ماده ۲) و از طرف دیگر حاکمیت مردم را منبع قدرت دانسته و نظام سیاسی مصر را بر اصول و مبادی دموکراتیک، انتقال مسالمت آمیز قدرت، تفکیک قوا و حفظ موازنه قدرت بین آنها و قانون حاکم و حق شهروندی استوار دانسته و دولت را موظف به تضمین این اصول نموده (مواد ۴، ۶). این امر حاکی از آن است که در کنار اسلامی بودن محتوای قانونگذاری بر اساس منبع اسلام و اصل حاکمیت قانون، اصول دموکراتیک نیز به رسمیت شناخته شده اند، یعنی میان روح اسلامیت نظام حقوقی-سیاسی مصر و جمهوریت بر مبنای اصول مردمسالارانه، سازگاری عمیقی وجود دارد و به گونه ای که فقدان یکی، به منزله فقدان دیگری خواهد بود. به همین دلیل می توان گفت دو کشور ایران و مصر در این نقطه تقریباً تشابه مثالی دارند، به طوری که شکل نظام حکومتی هر دو جمهوری بوده و محتوای آن به خاطر حاکمیت اسلام بر وجوه قانونگذاری، اسلامی است.

۳-۵. نظام نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی

برخی قوانین اساسی، از اختلاط دو گونه مجریه ریاستی و پارلمانی، نوع سومی از مجریه را به نام نیمه ریاستی یا نیمه پارلمانی^۱ پایه گذاری کرده اند که بنا به ملاحظه وابستگی آن به رژیم پارلمانی و لزوم تصحیح آن به وسیله رژیم ریاستی به وجود آمده است. در این مورد، قوه مجریه دورکنی است، ولی رئیس جمهور معمولاً با آراء مستقیم مردم انتخاب میشود و طبعاً دارای اختیارات گسترده تری از رئیس جمهور مبعوث پارلمان یا توسط انتخابات محدود است و رکن مسئول مجریه (نخست وزیر و وزراء) در برابر پارلمان مسئولیت دارد. یعنی رئیس جمهور، علاوه بر نقش ریاست مملکت، در برخی امور اجرایی نیز دست بازتری دارد و قدرت نظارت و داوری وی در مورد سایر قوا وسیع است و از سوی دیگر، نخست وزیر و وزیران که منصوب رئیس جمهور هستند، پاسخگوی پارلمان نیز می باشند، یعنی باید واجد اعتماد ارکان تقنینی

1. semipresidential- semiparliamentary

باشند تا بتوانند به خدمت ادامه دهند. (قاضی، ۱۳۸۳: ۴۷۶) بنابراین در جمهوری اسلامی ایران، از آن جهت که رئیس جمهور مستقیماً توسط مردم انتخاب میشود، نظام ریاستی و از آن جهت که اعضای هیات دولت (وزیران) منتخب رئیس جمهور و مورد اعتماد مجلس شورای اسلامی قرار میگیرند (اصل ۱۳۳)، پارلمانی است که می توان آن را نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی دانست (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۶۶). با توجه مطالب فوق، از آنجا که رئیس جمهور مصر به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می شود، ریاستی و از آن جهت که رئیس جمهور فردی را برای نخست وزیر تعیین نموده و او مأمور تشکیل کابینه و گرفتن رای اعتماد برای خود و اعضای کابینه اش میگردد و در برابر مجلس مسئولیت سیاسی دارند، پارلمانی و به اصطلاح نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی است (مواد ۱۴۳ و ۱۴۶). به بیان دیگر در نظام های نیمه ریاستی مثل کشور ایران و مصر ریاست دولت از ریاست حکومت تفکیک شده است. رئیس جمهور رئیس کشور محسوب شده و ریاست حکومت بر عهده نخست وزیر است. اما برخلاف نظام های پارلمانی رئیس کشور صرفاً یک مقام تشریفاتی نیست و از اختیارات فراوانی برخوردار است.

۴. بررسی تطبیقی

ایران و مصر به لحاظ نوع حکومت (سیاسی و حقوقی)، در خصیصه های جمهوریت، نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی، دموکراتیک، بسیط بودن تقریباً همانند یکدیگر هستند، به ویژه مانستگی - های فراوانی از جهت اسلامی بودن حکومت در ایران و مصر مشاهده میشود. این امر سبب شده شباهتهایی در جایگاه قدرت و محدوده ی اختیارات نهادهای سیاسی دو کشور بسیار جلوه نماید که در این بخش به تفصیل به هر یک از آنها، پرداخته شده است.

مقایسه ی تطبیقی قوای کشوری

فصل پنجم قانون اساسی ایران، به بحث کلیات قوای حاکم اختصاص دارد. بر اساس اصل پنجاه و هفتم، قوای حاکم در ایران عبارتند از: قوه ی مقننه، قوه ی مجریه و قوه ی قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه ی امر و امامت امت اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند (اصل ۵۷)

۱. جهت تلخیص از ذکر عبارات «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» و «قانون اساسی جمهوری مصر» صرف نظر شده است. جهت توضیح بیان می گردد در قانون اساسی جمهوری مصر، از عنوان ماده، و در قانون

اعمال قوهی مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان (اصل ۵۸)، اعمال قوهی مجریه از طریق رئیس جمهور و وزرا (اصل ۶۰) و اعمال قضائیه از طریق دادگاه‌های دادگستری می‌باشد (اصل ۶۱). (صلاحی، ۱۳۹۱: ۷۴) قوای حکومتی در مصر نیز متشکل از سه قوهی مجریه، مقننه و قضائیه است که بر اساس تفکیک وظایف بین قوا، وظایف خود را انجام می‌دهند. در این خصوص، باب پنجم قانون اساسی مصر به بحث قوای حکومتی در این کشور پرداخته؛ فصل اول در مورد قوه مقننه: «مجلس نمایندگان مسئولیت قانونگذاری در کشور و تصویب سیاست‌های عمومی دولت و برنامه کلی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و بودجه عمومی کشور را بر عهده دارد و ناظر بر فعالیت‌های قوه مجریه نیز به شمار می‌آید. همه این موارد بر اساس مقررات صریح قانون اساسی خواهد بود» (ماده ۱۰۱)، فصل دوم در مورد قوه مجریه تأکید می‌کند: «رئیس جمهوری مصر رئیس کشور و رئیس قوه مجریه است و از منافع مردم و استقلال کشور و تمامیت ارضی کشور محافظت کرده و متعهد به احکام قانون اساسی بوده و وظایفی که به نحو مشخص به عهده وی نهاده شده را به انجام می‌رساند. حکومت همان سازمان اجرایی و اداری عالی دولت است. از نخست وزیر و معاونان وی و وزرا و معاونان آنان تشکیل می‌شود، نخست وزیر ریاست هیأت دولت را نیز بر عهده دارد و بر اعمال دولت نظارت می‌کند و آن را در راه اجرای وظایفش قرار می‌دهد.» (ماده ۱۳۹ و ۱۶۳) فصل سوم در مورد قوه قضائیه مقرر می‌دارد: «قوه قضائیه، قوه ای مستقل است، مسئولیت دادگاه‌های قضایی را در همه انواع و درجات، بر عهده دارد. دادگاه‌ها احکامشان را بر اساس قانون صادر می‌کنند و قانون دیگر اختیارات آن را تعیین می‌کنند...» (ماده ۱۸۴) و تکالیف و وظایف هر یک در راستای تفکیک قوا مشخص نموده است.

هر یک از دو کشور، نهادهای حکومتی جداگانه‌ای نیز دارند که به طور مختصر به آنها نیز اشاره خواهد شد. لذا جهت مقایسه‌ی تطبیقی دو ساختار، قوای دو کشور را در چهار بخش مختلف مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌دهیم:

۴-۱. قوای مقننه

اساسی جمهوری اسلامی از عنوان اصل برای بندهای مختلف آنها استفاده شده است که دقت در این واژه‌ها می‌تواند مشخصه سازنده‌ی مرجع آنها باشد.

نظام تک مجلسی به حکومتی اطلاق می‌شود که قوه مقننه آن حکومت، صرفاً از یک مجلس تشکیل شده باشد. نظام تک مجلسی، معمولاً در کشورهایی وجود دارد که دارای ساختار سیاسی تمرکزگرایانه هستند. زیرا به‌گمان قانون‌گذاران این کشورها، سرشت مردم‌سالاری در کشورهایی که وحدت‌گرا هستند؛ با پارلمان تک‌عنصری سازگارتر است و مجلس واحد، تصویر درستی برای نشان دادن یک پارچگی جامعه و تقسیم‌ناپذیری حاکمیت است. یکی از تشابهات اصلی قوه مقننه در مصر و ایران، عناصر تشکیل دهنده نهاد تقنینی دو کشور است. مطابق قانون اساسی ۲۰۱۴، قوه مقننه در مصر یک رکنی است و تنها از یک مجلس نمایندگان تشکیل شده است. مجلس نمایندگان دست کم از ۴۵۰ نماینده تشکیل شده که به صورت مستقیم، عمومی و رای مخفی انتخاب می‌شوند. از جمله شرایط نمایندگی در این مجلس داشتن تابعیت مصری و برخورداری از حقوق مدنی، سیاسی، داشتن حداقل مدرک کارشناسی و حداقل سن از زمان نامزدی برای نمایندگی مجلس، ۲۵ سال میلادی است (ماده ۱۰۲) البته در قانون اساسی ۲۰۱۲ م قوه مقننه مصر مرکب از دو مجلس نمایندگان، و مجلس شورا بود که با اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی مصوب ۲۰۱۴، قوه مقننه تک رکنی شد و مجلس شورا حذف گردید.

قوه مقننه ایران نیز تک رکنی است؛ هر چند تشخیص عدم مغایرت مصوبات آن با اسلام و قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است، این امر موجب نمی‌شود که قوه مقننه در ایران را دو رکنی بدانیم، چرا که قانون اساسی ایران در اصل ۵۸ به این امر تصریح کرده؛ بنابراین مجلس تنها رکن قانونگذاری ملی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و شورای نگهبان وظیفه نظارت بر انطباق مصوبات مجلس به لحاظ مغایرت با شرع یا قانون اساسی را به عهده دارد و مجلس دوم به شمار نمی‌آید. (صلاحی، ۱۳۹۱: ۷۴)

۴-۱-۱. انتخاب نمایندگان و صلاحیت‌های آنها

مجالس نمایندگان در هر دو کشور از طریق انتخاب آزاد و مستقیم تشکیل می‌شود (اصل ۶۲ قانون اساسی ایران و ماده ۱۰۲ قانون اساسی مصر) مجلس نمایندگان مسئولیت قانونگذاری در کشور و تصویب سیاست‌های کلی و عمومی دولت و برنامه کلی رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و بودجه عمومی را بر عهده دارد و ناظر بر فعالیت‌های قوه مجریه نیز به شمار

می‌آید (ماده ۱۰۱) در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع نماید (اصل ۷۱)، دوره نمایندگی در جمهوری عربی مصر ۵ سال میلادی است اما در جمهوری اسلامی ایران ۴ سال می‌باشد (ماده ۱۰۶ قانون اساسی مصر و اصل ۶۳ قانون اساسی ایران) مجلس شورای اسلامی ایران و مجلس نمایندگان مصر تقریباً وظایف مشابهی دارند از جمله؛ قانونگذاری، تصویب بودجه عمومی کشور، رای اعتماد به وزیران، نظارت بر فعالیتهای قوه مجریه، هیات وزیران و وزرای کابینه، اجازه استقراض یا دریافت کمک مالی به قوه مجریه و

۴-۱-۲. ارتباط با سایر قوا

هر دو مجلس وظیفه نظارت بر قوه مجریه را بر عهده دارند و هیأت دولت تحت نظارت مجلس فعالیت میکند (اصل ۷۶، ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی ایران و ماده ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱ قانون اساسی مصر). با توجه به نوع قوه مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی، حدود اعمال نظارت بر قوه مجریه در هر دو مجلس به یک اندازه میباشد.

۴-۲. قوای مجریه

قوه مجریه دو رکنی دو رکن متمایز در رأس قوه مجریه قرار دارند که رکن اول رئیس کشور (پادشاه یا رئیس جمهور) و رکن دوم رئیس حکومت (رئیس هیأت دولت یا نخست وزیر) خوانده می‌شود. مصر دارای قوه مجریه‌ی دو رکنی می‌باشد. این قوه مرکب از یک رئیس‌کشور، یعنی رئیس جمهور و نخست وزیر و کابینهاش می‌باشد. رئیس جمهور مصر در مقابل مجلس نمایندگان مسئولیت دارد (ماده ۱۶۱). افزون بر آن، نخست وزیر و هیات وزیران در برابر پارلمان مسئولند (مواد ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۷۳)

در ایران نخست وزیر در ارکان قوه‌ی مجریه وجود ندارد و رئیس جمهور، هم نقش ریاست قوه مجریه و هم نقش نخست وزیر و ریاست دولت را بر عهده دارد و همچون هیأت وزیران در برابر مجلس مسئول است (اصول ۸۸ و ۸۹).

۴-۲-۱. شرایط نامزدی و انتخاب ریاست جمهوری و وظایف او

در قانون اساسی مصر، نامزد ریاست جمهوری با اکثریت مطلق آرا به صورت مستقیم و مخفی توسط مردم این کشور انتخاب شده و باید دارای والدینی مصری، برخوردار از حقوق مدنی و سیاسی، خدمت سربازی را انجام داده یا دارای معافیت قانونی از آن باشد. مدت دوره ریاست جمهوری در مصر ۴ سال است که این مدت تنها برای یک بار دیگر تمدید می‌شود. قبول نامزدی ریاست جمهوری مستلزم تایید حداقل ۲۰ عضو مجلس نمایندگان یا ۲۵ هزار شهروندی که دارای حق انتخاب هستند در ۱۵ استان می‌باشد (مواد ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳) در ایران نیز این مقام برای مدت ۴ سال، با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی، تنها برای یک دوره بلامانع است (اصل ۱۱۴). نکته شایان توجه آن است که برخلاف ایران، شرط اسلام برای نامزد ریاست جمهوری مصر لحاظ نشده، در ایران رئیس جمهور با تایید صلاحیت شورای نگهبان از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد که واجد شرایط ذیل اند: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور (اصل ۱۱۵ و بند ۹ اصل ۱۱۰). البته نامزد ریاست جمهوری در مصر به هنگام ثبت نام این سمت حداقل ۴۰ سال سن باید داشته باشد که همچنین شرطی در قانون اساسی ایران پیش بینی نشده است.

از آنجا که رئیس جمهور مصر مشابه نظام‌های ریاستی با رای عمومی مردم انتخاب شده و دارای پشتوانه ای مردمی است به همین دلیل حافظ منافع مردم، استقلال و تمامیت ارضی کشور بوده و دارای اختیارات وسیعی چون حق انحلال مجلس نمایندگان و فرماندهی نیروهای مسلح، و اعلام حالت فوق‌العاده و... در کشور می‌باشد (مواد ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴)، همین مسائل جایگاه نیرومندی را به ریاست کشور مصر اعطا نموده است.

قانون اساسی ایران نیز وظایف اجرایی متعددی را برای پست ریاست جمهوری در نظر گرفته، تا آنجا که صراحتاً اعمال قوه مجریه را از طریق رئیس جمهوری ممکن دانسته است (اصل ۶۰) و چون ریاست هیات وزیران در اختیار رئیس جمهور است، به همین خاطر مردم با رای خود همزمان، هم رئیس جمهور و هم رئیس هیات دولت را بر می‌گزینند، افزون بر آن، رئیس جمهور بر کار وزیران نظارت داشته و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیات دولت می‌پردازد و با همکاری هیات وزیران برنامه و خط مشی دولت را تعیین می‌کند (اصل ۱۳۴) به علاوه بر شوراهایی چون: شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶) شورای عالی

اداری و شورای عالی انقلاب فرهنگی ریاست دارد، مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی را بر به طور مستقیم بر عهده داشته (اصل ۱۲۶) عضو، مأمور و مسئول تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷) و به هنگام ناتوانی رهبر از انجام وظایف خود یا برکناری ایشان و فقدان برخی شرایط رهبری، به همراه رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای موقت رهبری می‌باشد (اصل ۱۱۱)

۴-۲-۲- رابطه با قوهی مقننه

در مصر، رئیس جمهور از مسئولیت سیاسی مبرا است اما نخست وزیر، معاونان و وزراء در برابر مجلس مسئولیت سیاسی دارند. البته اگر بتوان سازوکار طرح سلب رای اعتماد از رئیس جمهور را نوعی طرح مسئولیت سیاسی بر ای وی قلمداد نمود، این مسئله تحت شرایط خاصی مطرح میگردد و باید دلیل موجه داشته و به تایید دو سوم اعضای مجلس نمایندگان برسد، و نیز باید به آراء عمومی مردم نهاده شود که در این صورت تصمیم گیرنده نهایی مردم هستند (ماده ۱۶۱)، اما رئیس جمهور مصر به خاطر تخلف از اجرای قانون اساسی، ارتکاب خیانت بزرگ و جرائم دیگر، مورد اتهام دو سوم مجلس نمایندگان قرار میگیرد و پس از اعلام اتهام نمایندگان در دادگاه ویژه ای که ریاست آن را رئیس دادگاه عالی قانون اساسی بر عهده دارد، محاکمه می‌شود (ماده ۱۵۹) با این توضیحات، بار مسئولیت سیاسی در قوه مجریه مصر بیشتر بر دوش نخست وزیر، معاونان و وزرای کابینه اش است و هر یک از نمایندگان مجلس می‌توانند آنان را در مورد یکی از اختیاراتشان استیضاح کنند (ماده ۱۳۰) و درخواست استیضاح دولت باید از طرف ۲۰ نماینده مجلس نمایندگان ارائه گردد (ماده ۱۳۲). رای عدم اعتماد تنها پس از استیضاح و بر اساس درخواست ۱۰ نماینده مجلس اجرایی شده و سلب رای اعتماد با تصویب اکثریت آرا صورت می‌گیرد. اگر مجلس نمایندگان مصمم به سلب رای اعتماد خود از نخست وزیر و معاونان و وزرای او می‌باشد، دولت باید استعفای خود را به مجلس ارائه دهد (ماده ۱۳۱) به علاوه، هر یک از نمایندگان مجلس می‌توانند از نخست وزیر، معاونان وی یا یکی از وزراء یا معاونان آنان، در خصوص هر موضوعی مربوط به وظایفشان سوال کنند و آنها نیز باید به این سوالات پاسخ گویند (ماده ۱۲۹) در مقابل، رئیس جمهور مصر تحت شرایطی حق انحلال مجلس را دارد: اولاً دلیل موجه داشته باشد و ثانیاً درخواست انحلال مجلس را به همه پرسى عمومی بگذارد

و ثالثاً مجلس نمایندگان را در سال تشکیل آن به همان دلیل انحلال مجلس سابق، نمی‌توان منحل کرد. برای انحلال مجلس نمایندگان رئیس جمهور دستور توقف نشست‌های مجلس و برگزاری همه‌پرسی ظرف حداکثر ۲۰ روز را صادر مینماید و نتیجه همه‌پرسی، انحلال یا ادامه کار مجلس را مشخص می‌کند. در صورت انحلال مجلس انتخابات جدید باید حداکثر ظرف ۳۰ روز از تاریخ صدور این تصمیم برگزار شود و مجلس جدید ظرف ۱۰ روز بعد تشکیل جلسه می‌دهد تا نتیجه نهایی را دریافت کند (ماده ۱۳۷).

این در حالی است که در هیات وزیران ایران فقط وزراء در برابر مجلس پاسخگویند و از آنجایی که ریاست کشور با رئیس جمهور نیست، وی نیز در برابر مجلس پاسخگو است و حتی امکان استیضاح یا عزل او با در نظر گرفتن مصالح کشور از سوی مقام رهبری وجود دارد (بند ۲ از اصل ۸۹) ولی معاونان رئیس جمهور مانند معاون اول، رئیس سازمان محیط زیست، رئیس سازمان انرژی اتمی و... افزون بر آن، معاونان وزراء در برابر مجلس مسئولیتی ندارند (اصل ۱۲۲) به علاوه، در نظام حقوقی ایران رئیس جمهور حق انحلال پارلمان را ندارد. در واقع این مسئله برای رئیس جمهور پیش‌بینی نشده است. این مسئله از یک سو احتمالاً به خاطر دارا بودن شمه‌ای از ویژگی ریاستی قوه مجریه در ایران است که مشابه نظام‌های ریاستی رئیس جمهور که در انتخابات مستقیم توسط مردم برگزیده شده، حق انحلال پارلمان را ندارد و از سوی دیگر چون مجلس به طور مستقیم حق برکناری رئیس جمهور را ندارد و صرفاً می‌تواند عدم کفایت سیاسی وی را به رهبری تقدیم نماید و توسط رهبر با در نظر گرفتن مصالح کشور برکنار می‌شود (بند ۱۰ اصل ۱۱۰)، از همین رو، در مقابل، ابزار انحلال مستقیم مجلس هم به رئیس جمهور سپرده نشده است.

۴-۳- قوای قضائیه

۴-۳-۱- ارکان اصلی و نحوه تقسیم وظایف

فصل سوم باب پنجم قانون اساسی مصر، به قوه قضائیه و مسائل مربوط به نظام قضایی این کشور پرداخته است. قوه قضائیه مصر متشکل است از دستگاه قضایی، دادستانی، دادگاه تخلفات اداری، دادگاه عالی قانون اساسی، نهادهای قضایی دولت است (مواد ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۶) قوه قضائیه در ایران نیز متشکل از دادگاه‌ها و تشکیلات قضایی، دیوان عالی کشور،

دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد (فصل ۱۱ قانون اساسی). (صلاحی، ۱۴:۱۳۹۱)

در قانون اساسی ۲۰۱۴م، نحوه اداره امور سازمان‌های قضایی مصر پیش بینی نشده و احتمالاً به قانون عادی محول شده اما قانون اساسی ایران وظایف مذکور را بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه نهاده است (اصل ۱۵۸).

در هر دو کشور قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مستقل است، تا بی طرف باشند و بهتر بتوانند تضمین کننده حقوق و آزادی‌های فردی باشند (ماده‌ی ۱۸۴ قانون اساسی مصر و ۱۵۸ قانون اساسی ایران). همچنین در هر دو نظام قضایی بر لزوم استقلال قضات تأکید شده است. در این خصوص ماده ۱۸۶ قانون اساسی مصر بیان می‌دارد: «قضات مستقل و غیر قابل عزل هستند، تحت تسلط هیچ مرجع با اقتداری غیر از قانون نیستند، آنها در حقوق و تکالیف با هم برابرند...».

قانون اساس ایران نیز در تأمین استقلال قضات مقرر می‌دارد: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه، یا تصمیم رئیس قوه‌ی قضائیه، پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل...» (اصل ۱۶۴).

وظیفه‌ی رسیدگی به شکایت مردم از اقدامات و آیین‌نامه‌های دولتی از دیگر وظایف قوه‌ی قضائیه است که در ایران بر عهده‌ی دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳) اما در قانون اساسی مصر چنین نهادی پیش بینی نشده، احتمالاً به دلیل تأثیر پذیری سیستم قضایی این کشور از نظام قضایی یگانه مشابه انگلستان بوده که مطابق آن دستگاه قضایی بر اساس اصل تفکیک قوا در قوه قضائیه متمرکز و محدود شده و رسیدگی به همه مسائل قضایی در صلاحیت این قوه است (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۲۶۸) یعنی صراحتاً مرجع مستقلی برای شکایات و اعتراضات مردم نسبت به واحدهای دولتی، مأموران و مقررات دولتی پیش بینی نشده است. البته در ماده ۱۹۷ یک نهاد قضایی مستقل به نام دادگاه تخلفات اداری مطرح شده که تنها مرجع حل و فصل منازعات اداری و اجرایی است و وظیفه بررسی دادخواست‌ها و تجدید نظر در زمینه مسائل انتظامی بر عهده دارد، افزون بر آن تهیه پیش نویس لوایح و مصوبات دارای وصف تقنینی، رسیدگی به پروژه‌های قراردادی که دولت یا یکی نهادهای عمومی، منعقد نموده، بر عهده دارد (ماده ۱۹۰) اما معلوم

نکرده که منظور از خواهان و شاکیان در این قسمت چه کسانی می‌توانند باشند.

۴-۳-۲- نحوه‌ی تصدی پست ریاست قوه‌ی قضاییه

از جمله تمایزات اساسی قوای قضاییه‌ی دو کشور، می‌توان به نحوه‌ی تصدی مقام ریاست قوه‌ی قضاییه اشاره کرد. در نظام حقوقی ایران، ریاست قوه قضائیه انتصابی است و این پست را مقام رهبری اعطا می‌کند (اصل ۱۵۷)، اما نکته جالب توجه در قانون اساسی مصر این است که شیوه انتخاب یا انتصاب ریاست این قوه به صراحت پیش بینی نشده، البته در ماده ۱۸۹ از نحوه انتصاب دادستان کل به طریق اولی، تا حدودی روشن شده که ریاست این قوه به صورت شورایی بوده و در اختیار یک فرد به طور انحصاری قرار ندارد این ماده مقرر داشته: «دادستانی، جزئی جدایی ناپذیر از دستگاه قضا است. مسئولیت تحقیق و بررسی و مطرح کردن پرونده‌های قضایی غیر از موارد استثنا شده در قانون را بر عهده دارد... ریاست دادستانی را دادستان کل به عهده دارد. دادستان بنا به دستور انتصاب رئیس جمهور و انتخاب از شورای عالی قضا بر عهده می‌گیرد که از بین معاونان رئیس دادگاه استیناف و روسای آنها و مشاوران عام دادستان انتخاب می‌شود، این سمت چهار ساله یا تا زمان رسیدن فرد دادستان به بازنشستگی است و هر کدام زودتر انجام شوند، وی از این سمت کنار خواهد رفت. این سمت تنها یکبار در طول مدت خدمت هر فرد، به وی تعلق می‌گیرد». اما شیوه انتخاب این شورا هم پیش بینی نشده است، البته در ماده ۲۳۹ مقرر شده: «مجلس نمایندگان قانونی را برای تنظیم قواعد نصب قضات و اعضای سازمان‌ها و تشکیلات قضایی، تصویب می‌کند...» احتمالاً نحوه انتخاب شورای عالی قضایی هم به قانون عادی محول شده باشد؛ لیکن این امر هم پیش بینی نشده، البته با توجه به تازگی قانون اساسی و تحولات سیاسی چند سال اخیر به طور قطع نمیتوان در این مورد نظر داد.

۴-۳-۳- تمایز در نقش نظارتی قوای قضاییه

نکته‌ی قابل ذکر در خصوص نحوه‌ی تقسیم وظایف در نهادهای حکومتی مصر در مقایسه با ایران، نحوه‌ی نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی و تفسیر متون قانون اساسی است که این وظیفه در مصر در اختیار دادگاه عالی قانون اساسی قرار گرفته که یک نهاد قضایی مستقل و تنها مرجع بررسی مطابقت قوانین و لوایح با قانون اساسی، تفسیر قوانین و... می‌باشد (ماده

۱۹۲ و ۱۹۱) و از ارکان این قوه است. در حالی که این وظیفه در ایران بر عهده شورای نگهبان بوده که رکن جدایی ناپذیر مجلس به شمار می‌رود (اصول ۹۱ و ۹۶). اصولاً می‌توان گفت دادگاه عالی قانون اساسی به عنوان نهاد دادرسی اساسی تقریباً جایگزین شورای نگهبان در نظام حقوقی ایران است. سایر وظایف قوای قضائیه‌ی ایران و مصر، شبیه به یکدیگر است که طبق الگوهای متفاوتی میان ارکان آنها تقسیم شده است.

نحوه‌ی نظارت بر اجرای قوانین در ایران به عهده سازمان بازرسی کل کشور است که تحت نظر قوه‌ی قضائیه فعالیت می‌کند. قانون اساسی ایران از این وظیفه با عنوان «حق نظارت قوه‌ی قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری» نام برده است (اصل ۱۷۴)؛ در حالی که این وظیفه‌ی مهم در نظام حقوقی مصر بر عهده‌ی دادستان اداری گذاشته شده است. ماده ۱۹۷ قانون اساسی مصر در این خصوص تأکید نموده: «دادستانی اداری، نهاد قضایی مستقلی است. وظیفه آن تحقیق در تخلفات مالی و اداری و مواردی است که در این زمینه به آن ارجاع داده می‌شود. در رابطه با این تخلفات، دادستان اداری، صلاحیت تحمیل مجازات‌های انتظامی و انضباطی، نسبت به مراجع اداری را دارد و پیگیری اعتراضات و شکایات نسبت به تصمیمات دادگاه انتظامی وابسته به دادگاه عالی اداری و همچنین وظیفه پیشبرد دعاوی، شکایات انتظامی در برابر دادگاه‌های عالی اداری برعهده دارد...»

۴-۴- رئیس کشور و تنظیم روابط قوا

بالاترین مقام رسمی در مصر رئیس‌جمهور می‌باشد. هر چند به صراحت در قانون اساسی این کشور بیان نشده اما با توجه سیاق عبارات به کار رفته در ماده ۱۳۹ و چون وظیفه حفاظت از منافع مردم و استقلال کشور و تمامیت ارضی کشور، به رئیس‌جمهور سپرده شده، میتوان به این نکته پی برد: «رئیس‌جمهوری مصر، رئیس کشور و رئیس قوه مجریه است. او از منافع مردم و استقلال کشور، وحدت و تمامیت ارضی کشور محافظت کرده و متعهد به احکام قانون اساسی بوده و وظایفی که به نحو مشخص به عهده وی نهاده شده را به انجام می‌رساند» از طرف دیگر وی فرمانده کل نیروهای مسلح، دارای حق اعلام جنگ و اعزام نیرو به خارج از کشور (ماده ۱۵۲) دارای حق عزل و برکناری کارمندان و نمایندگان سیاسی و مدنی کشور (ماده ۱۵۳) بیانگر روابط خارجی و سیاست خارجی کشور (ماده ۱۵۱) و مهم‌تر از همه دارای حق

انحلال مجلس نمایندگان است (ماده ۱۳۷). اما در ایران بالاترین مقام رسمی رهبر می باشد و پس از او رئیس جمهور دارای این منصب است که مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوهی مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، برعهده دارد (اصل ۱۱۳). (صلاحی، ۱۳۹۱: ۷۶)

روابط میان قوا در کشور مصر بر مبنای تفکیک نسبی و همکاری قوا می باشد. زیرا پس از انتخاب رئیس جمهور به سمت ریاست کشور، وی مکلف است فردی را انتخاب نموده و او را مکلف به تشکیل کابینه نماید. نخست وزیر نیز مکلف است اعضای کابینهی خود را به همراه برنامه دولت به مجلس نمایندگان ارائه نموده تا بتواند از آنان رأی اعتماد کسب کند (ماده ۱۴۶). نخست وزیر و کابینه و حتی معاونان نخست وزیر در برابر نمایندگان مجلس مسئولیت سیاسی دارند و هر یک از نمایندگان مجلس می توانند از نخست وزیر، معاونان یا وزرای او را در مورد وظایفشان سؤال کنند یا آنان را مورد استیضاح قرار دهند. (مواد ۱۲۹ و ۱۳۰)

قانون اساسی ایران، تنظیم قوای سهگانه را بر اساس تقسیم وظایف و ضرورت همکاری برای تأمین اهداف کلی نظام که زیر نظر ولایت امر و امامت امت اعمال میشود، طراحی نموده (اصل ۵۷) و مراتبی از ارتباط متقابل، توأم با نظارت و مسئولیت بین قوای حاکم را از نظر دور نداشته است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۰). در این راستا هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سهگانه یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است که رئیس آن را رهبر ایران تعیین می کند. این هیئت جدای از مجمع تشخیص مصلحت نظام است که آن هم تحت نظارت رهبر جمهوری اسلامی و با هدف رفع اختلاف بین دولت، مجلس و شورای نگهبان ایجاد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است.

نتیجه گیری

با وجود شباهتهای بسیار در ساختارهای اساسی قانون اساسی مصر و ایران، به طور قطع نمیتوان گفت که تدوین کنندگان قانون اساسی این کشور از الگوی نظام جمهوری اسلامی ایران، تأثیر پذیرفته باشند، چرا که شرایط و متغیرهای هر انقلابی در زمان رخداد، بسیار متفاوت است. اما با توجه به تشابهات تاریخی، فرهنگی، دینی و از همه مهمتر آنکه تدوین قوانین اساسی هر دو کشور پس از تحولات عمیق سیاسی یعنی انقلاب رخ داده و از قانون اساسی فرانسه نیز تأسی

پذیرفته‌اند، شباهتهایی در ساختارهای اساسی این دو کشور وجود دارد که میتوان گفت، قانون اساسی مصر به طور غیر مستقیم از قانون اساسی ایران الگو پذیرفته است به عبارت دیگر، قانون اساسی ایران، مطابق آرمان مدونانش، توفیق نسبی از جهت الگودهی به کشورهای منطقه داشته است.

از زمره این شباهت‌ها میتوان به مواردی همچون، حاکمیت اسلام در قانونگذاری و معرفی اسلام به عنوان تنها منبع قانونگذاری، جمهوریت نظام سیاسی و انتخابی بودن نهادهای اجرایی و تقنینی، بسیط و یکپارچه بودن دو کشور به لحاظ تقسیمات کشوری، ساختار قوه مجریه و نوع قوه مجریه به لحاظ نیمه ریاستی بودن و نیمه پارلمانی بودن، مسئولیت قوه مجریه در برابر پارلمان، استقلال قوه قضائیه و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های بنیادین، استقلال و غیر قابل عزل بودن قضات، حضور فارغ‌التحصیلان کشور فرانسه در رشته حقوق در بین مجلس مؤسسان قانون اساسیشان و... اما در مواردی نیز تفاوت‌های جزیی به چشم می‌خورد از جمله؛ رئیس جمهور مصر تحت شرایطی و با استفاده از همه پرسوی مردمی حق انحلال مجلس را دارد اما رئیس جمهور ایران فاقد چنین اختیاری است. در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر قوای سه‌گانه کلاسیک، قوه دیگری نیز حاکم است که هم اشراف بر قوای سه‌گانه دارد و ارتباط و هماهنگی میان آنها را برقرار میکند و هم مستقیماً برخی اختیارات اجرایی را بر عهده دارد و در واقع قانون اساسی ایران را می‌توان اولین قانون اساسی دانست که یک مرجع دینی را به عنوان ولی امر در رأس قدرت و حاکمیت قرار می‌دهد، این مسئله به خاطر اعتقاد به ولایت امر و امامت مستمر فقیه جامع‌الشرایط است که در عصر غیبت عهده دار زمام امور می‌گردد اما در مصر رئیس جمهور نماد وحدت ملی و حافظ استقلال و تمامیت ارضی این کشور معرفی شده است. سازوکار طرح مسئولیت سیاسی رئیس جمهور ایران نیز تا حدودی با مصر متفاوت است، رئیس جمهور ایران با رای عدم کفایت سیاسی و رای دیوانعالی کشور به تخلف از وظایف قانونی توسط مقام رهبری با در نظر گرفتن مصالح نظام برکنار خواهد شد اما رئیس جمهور مصر به طور اختصاصی و محدود در برابر مجلس مسئولیت دارد و سرنوشت وی در طرح سلب اعتماد به دست شهروندان سپرده شده که تنها در صورت موافقت مردم از کار برکنار خواهد شد و نکته جالب توجه آن است که در صورت منفی بودن رای مردم، این مجلس است که منحل می‌شود. به نوعی می‌توان گفت نوعی تعادل در شتاب تصمیم‌گیری مجلس ایجاد می‌نماید که خطر انحلال

باعث استفاده نکردن از آن می‌شود. یکی دیگر از موارد تفاوت نظام حکومتی مصر با ایران در تصدی ریاست قوه قضائیه است. ریاست قوه قضائیه این کشور در اختیار شورای عالی قضایی است که سازوکار انتخاب آنان در قانون اساسی پیش بینی نشده، اما ریاست قوه قضائیه در ایران فردی انتصابی است که از سوی مقام رهبری به این عنوان نائل می‌آید.

منابع و مأخذ

۱. اختر شهر، علی (۱۳۸۷)، «توزیع قدرت در ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲.
۲. آقایی طوق، مسلم؛ غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۱)، «تحول حقوق و آزادی‌های شهروندان در مصر مبتنی بر قانون اساسی ۲۰۱۲ میلادی»، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال اول، شماره یک.
۳. بارت، اریک (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر حقوق اساسی، ترجمه‌ی عباس کدخدایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۴. دستور جمهوری مصر العربیه و القوانين الاساسی المکمله له، الطبعة السادسة، الاداره للشنون القانونیه، القاہرہ، ۱۹۹۶م.
۵. الدستورية جمهورية مصر العربية مندرج در سایت: WWW.sis.gov.eg-ahram.org/5/8/2014
۶. صلاحی، سهراب و علی بهادری جهرمی (۱۳۹۱)، ساختارهای اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، مطالعه تطبیقی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دره ۳، شماره ۲.
۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴)، جلد اول، تهران: اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۴)، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۹. عباسی، بیژن (۱۳۸۴)، مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۱. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۳۷)، حقوق اساسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۱۲. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجاه و نهم.
۱۳. قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم.

۱۴. کعبی، عباس؛ علم الهدی، سید حجت الله؛ فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۲)، «تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر (۲۰۱۳ میلادی)، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، سال اول، شماره یک.
۱۵. مدکس، رابرت (۱۳۸۵)، قوانین اساسی کشورهای جهان، ترجمه‌ی سید مقداد ترابیف، تهران، نشر شهر دانش، چاپ اول.
۱۶. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۶)، کلیات حقوق اساسی، تهران، انتشارات پایدار، چاپ یازدهم.
۱۷. مظهری، مرتضی (۱۳۶۷)، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
۱۸. منتظری، حسنعلی، (۱۳۸۵)، نظام الحکم فی الاسلام، قم: نشر سرایی، چاپ اول.
۱۹. مهرپور، حسین (۱۳۹۲)، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ چهارم.
۲۰. موسی زاده، ابراهیم (۱۳۹۳)، حقوق اداری، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.
۲۱. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۷)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، جلد یک، تهران، انتشارات میزان، چاپ هشتم.
۲۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهاد های سیاسی)، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان، چاپ شانزدهم.
23. B.J. Odoki(1991), The Nature And Purpose Of A National Constitution, Kumi/soroti rc development Seminar.
24. Fellman, David,(1958), "Constitutional Law in 1956- 1957", at:<http://www.jstor.org/stable/1953019?&Search=yes&term=constitution>.